

جایگاه امت اسلامی در فرایند تکامل انقلاب اسلامی

عباسعلی مشکانی سبزواری

دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه دین دانشگاه باقرالعلوم

meshkani.a@gmail.com

تاریخ دریافت: 1392/8/27، تاریخ پذیرش: 1392/11/1

چکیده

ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی، مرحله نهایی فرایند تکاملی انقلاب اسلامی را به خود اختصاص داده است. از طرف دیگر، ایجاد امت اسلامی، نیازمند وحدت و همدلی مسلمانان منطقه و جهان است. بر این اساس یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های مهم جمهوری اسلامی حرکت در مسیر گسترش فرهنگ تقریب و وحدت اسلامی و بسترسازی برای ایجاد امت اسلامی از این طریق است. مقاله حاضر پس از تبیین چستی فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، امت اسلامی و وحدت مسلمانان، به تحلیل نسبت سه‌سویه این هر سه پرداخته است. ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی، در گرو ارائه الگوی صحیح به جهان اسلام است. بر این اساس در بخش پایانی مقاله، به اثبات ظرفیتهای الگویی انقلاب اسلامی برای جهان اسلام پرداخته شده است. این مقاله با روش تحلیلی و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، با محوریت دیدگاهها و بیانات مقام معظم رهبری سامان یافته است.

کلیدواژه‌ها: امت اسلامی، انقلاب اسلامی، وحدت مسلمانان، مقام معظم رهبری.

مقدمه

آنچه ملتی را بر ملل دیگر و جامعه‌ای را از جوامع دیگر ممتاز می‌کند و موجب برتری آن بر ملل دیگر می‌شود «اتحاد و انسجام و همبستگی» است.¹ از دیدگاه جامعه‌شناسی نیز یکی از عوامل مهم انحطاط یک ملت و جامعه، این است که آن جامعه به گروههای کوچک تجزیه شده، انسجام و وحدت گروهی در آن از بین رفته باشد. نتیجه آن چیزی جز نفوذ و سلطه استعمارگران نیست که از طریق تقویت حس

ناسیونالیستی و فرقه‌گرایی و با تبلیغ و پرورش تفاوت‌های مذهبی و ... سعی در تجزیه جامعه و تبدیل آن به گروههای کوچک دارند.² به گفته امام خمینی (ره) اگر دولتها و ملت‌های اسلام به هم پیوسته بودند (به صورت یک امت بودند)، معنا نداشت که قریب به یک میلیارد مسلمان زیر دست قدرتها باشند. متأسفانه در عصر حاضر کشورهای اسلامی، تحت دگرترین و نفوذ افکار و اندیشه غرب و عمال آنها، خود را به صورت یک ملت می‌نگرند، نه یک «امت»، و مسلمانان

1. علل پیشرفت و انحطاط جامعه در کلام امام علی (ع)، ص 106.

2. همان، ص 168.





دچار اختلاف و تشتت شده‌اند. هر کشور می‌خواهد به تنهایی و به صورت مجزا خود را در مقابل قدرتهای بزرگ محافظت کند، بدون اینکه توانایی و قدرت آن را داشته باشد.³ دشمنان اسلام، به ویژه آمریکا، از دیرباز در کمین بوده‌اند تا وحدت میان مذاهب و کشورهای اسلامی از بین برود، تا از این طریق بتوانند افکار پلید خود را برای جلوگیری از تحقق یا پیشرفت امت اسلامی و در نتیجه ایجاد تمدن نوین اسلامی به اجرا گذارند.⁴ بنابراین از پرکاربردترین تکنیکهای غرب برای جلوگیری از اتحاد امت اسلام و ایجاد دنیای یکپارچه اسلامی، تشدید اختلافات است.⁵

در مقابل، انقلاب اسلامی ایران و رهبران فقیه آن، از روزهای آغازین انقلاب، راهبرد «وحدت مسلمانان» را هدف خویش قرار داده، آن را عامل قوت و قدرت پایدار و برتری مسلمانان و حرکت جامعه به سمت کمال و رشد قلمداد نمودند و تفرقه و تنازع را مهم‌ترین عامل شکست درونی و بیرونی امت اسلامی و اضمحلال قدرت و شوکت مسلمانان برشمردند.

اهمیت وحدت مسلمانان، امت اسلامی و دنیای اسلام در نگاه رهبران انقلاب اسلامی، آن‌گاه جلوه‌گر می‌شود که ایشان آرمان نهایی و نقطه اوج انقلاب خویش را «ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام» دانسته و در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی ایران، در راستای دستیابی به امت اسلامی و در نتیجه تمدن اسلامی، تلاش و برنامه‌ریزی می‌کنند. توضیح اینکه مقام معظم رهبری در فرایندی تکاملی که برای انقلاب اسلامی ترسیم نموده‌اند، «ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی» را آخرین حلقه این فرایند تکاملی قرار داده، گاه از آن، با همین عنوان یاد کرده‌اند (1375/9/19). در همین راستا ایشان وحدت اسلامی را ضرورتی انکارناپذیر و از جمله اهداف بزرگ نظام اسلامی دانسته و کارشکنی در مسیر آن را ضربه به کل امت اسلامی قلمداد نموده‌اند (1382/2/22). بدیهی است دستیابی به دنیای یکپارچه اسلامی و احیای امت اسلامی در گرو اتحاد و همدلی آحاد مسلمانان جهان در مقیاس بین‌المللی و جهانی است. همچنین انقلاب اسلامی - با توجه به تعدد مذاهب و فرهنگهای دینی در داخل کشور -

در مقیاس ملی نیز در حلقات پیشین فرایند تکاملی خویش، از ایجاد انقلاب اسلامی تا ایجاد کشور اسلامی، نیازمند وحدت و همدلی مسلمانان (گروههای مختلف پیروان مکتب اهل بیت (ع) و پیروان مکتب خلفا) می‌باشد.

مقاله حاضر به تبیین فرایند تکاملی انقلاب اسلامی و جایگاه امت اسلامی و دنیای اسلام در آن پرداخته، هدف نهایی خویش را تبیین نقش وحدت مسلمانان در ایجاد دنیای اسلام و احیای امت اسلامی با محوریت دیدگاههای مقام معظم رهبری قرار داده است. همچنین ظرفیتهای الگویی انقلاب اسلامی برای جهان اسلام، به عنوان پیش‌شرط اساسی ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی توسط انقلاب اسلامی، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نکته قابل توجه اینکه در این نوشتار، به منظور رعایت اختصار، برای ارجاع به بیانات مقام معظم رهبری، تنها تاریخ آنها در داخل پراکنش بیان گردیده است.

امت اسلامی و دنیای اسلام

تعاریف مختلفی درباره امت اسلامی و دنیای اسلام در بیانات مقام معظم رهبری یافت می‌شود؛ از جمله: «دنیای اسلام یک مجموعه عظیم با مسائل مبتلا به و دردهای مشترک، با دشمنیهای مشترک، با درمانها و راههای علاج مشترک است. در حقیقت، مسائل و مشکلات عمده مسلمانها، با همدیگر مشترک است» (1365/5/12). در تعریفی دیگر با برقراری ارتباط میان دنیای اسلام و امت اسلامی، می‌گوید: «دنیای اسلام یک امت است، و رای ایرانی بودن و عرب بودن، پاکستانی و هندی بودن و رای همه اینها و مانند آن، ملتها و دولتهای اسلامی، امت اسلامی را تشکیل می‌دهند» (1377/3/4). در تعریف سوم، ایشان معتقد است: «دنیای اسلام، به یک مجموعه انسانی اطلاق می‌شود که اعتقاد به توحید خالص دارد، بسه نفی عبودیت غیر خدا می‌پردازد، به استقرار عدل و اخلاق در بین انسانها دعوت و اقدام می‌کند» (1373/10/10). «امت اسلامی - آن‌چنان که پیامبر اسلام (ص) و تعالیم قرآن، طراح و برنامه‌ریز آن بوده‌اند - مجموعه‌ای از انسانها هستند که از علم، اخلاق، حکمت، روابط صحیح و اجتماع برخوردار از عدالت بهره‌مند و نتیجه همه اینها رسیدن انسان به اوج تکاملی است که استعداد آن

3. جهان اسلام و چالشهای دنیای معاصر، ص 17.

4. نک: صحیفه نور، ج 18، ص 122.

5. «راهکارهای گسترش و تعمیق بیداری اسلامی»، ج 2، ص 277.

را خدا در او قرار داده است (1383/6/13). بهرغم تفاوت ظاهری در این تعاریف، در همه آنها وجوه مشترکی چون عقیده، آرمان، کتاب، پیامبر، قبله و ... به چشم می‌خورد. پس می‌توان دنیای اسلام را «مجموعه انسانهایی که حول محور خدا، قرآن و پیامبر اسلام (ص) گرد آمده، در قالب امت اسلامی برای برقراری تمدن اسلامی و احیای کلمه حق قیام می‌کنند» دانست.

فرایند تکاملی انقلاب اسلامی

غالباً هر انقلابی از یک نقطه آغاز می‌شود و با طی مراحل مختلف و فرایندی مشخص و مدون در مسیر وصول به اهداف نهایی خود گام برمی‌دارد. انقلاب اسلامی نیز از این امر مستثنی نیست. در حقیقت نقطه آغاز انقلاب اسلامی مردم ایران، قیام رسمی امام خمینی (ره) در سالهای 41-42 بود و تا امروز بساطی مراحل و فرایندی خاص در مسیر وصول به اهداف نهایی خود گام برداشته است. اندیشمندان و نظریه‌پردازان در تبیین فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، دیدگاههای مختلفی دارند. گرچه نهان و ماهیت فرایندهای مطرح یکی است، اما دسته‌بندیها و عنوان‌گذاری مراحل، مختلف و متعدد است. از میان فرایندهای مطرح، سه فرایند از شهرت و اعتبار بیشتری برخوردار است. در یک طرح فرایند تکاملی انقلاب اسلامی پنج مرحله دارد، در طرحی دیگر چهار مرحله و در طرح سوم اما، این فرایند، سه مرحله را شامل می‌شود.⁶

1) فرایند پنج مرحله‌ای

فرایند انقلاب اسلامی و مراحل تحقق آرمانهای آن، تا دستیابی به الگوی جامع انقلاب و در نهایت تشکیل تمدن اسلامی، از سوی مقام معظم رهبری در فرایندی پنج مرحله‌ای تبیین شده است. ایشان روند تکاملی انقلاب اسلامی را به پنج مرحله تقسیم نمودند. «فرایند تحقق انقلاب اسلامی همین‌طور، قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می‌شود ... این فرایند یک فرایند طولانی و البته دشوار است که انسان به طور نسبی به آن اهداف نزدیک می‌شود. اما تحقق آنها خیلی طولانی است» (1380/9/12).

الف) ایجاد انقلاب اسلامی

بر این اساس مرحله اول از این فرایند، پیروزی شکوهمند 6. نک: «درآمدی بر فرایند تکاملی انقلاب اسلامی»، ص 6.

ملت ایران در مقابل رژیم منحوس پهلوی و «ایجاد انقلاب اسلامی» بوده است که هرچند کار بسیار مهم و پرهزینه‌ای بود، اما در مجموع نسبت به مراحل بعد جزء آسان‌ترین مراحل به شمار می‌رود: «قدم اول که پرهیجان‌ترین و پرسروداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است؛ کار آسانی بود، لیکن این آسان‌ترین است. این انقلاب اولین سخنش این بود که دوران حاکمیت ارزشهای معنوی آغاز شده است. یک تحول بنیادین براساس یک سلسله ارزشها» (1379/2/23).

«انقلاب بزرگ ما خصوصیات مخصوصی به خود داشت. این خصوصیات که بارها هم در تحلیلهای ملت ما و آشنایان با انقلاب تکرار شده، اولین بار در یک انقلاب مشاهده می‌شد. تکیه به اسلام، هدف‌گیری ایجاد حکومت اسلامی، تجدید نظر در مفاهیم سیاسی عالم مثل آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و چیزهای دیگر و حرکت به سمت دنیا و جامعه‌ای که بر پایه ارزشهای اسلامی بنا شده باشد» (1368/3/14).

ب) ایجاد نظام اسلامی

مرحله دوم از فرایند تحقق آرمانهای اسلامی در بستر انقلاب، تأسیس نظام اسلامی است. مقام معظم رهبری تحقق این مرحله را به معنای اسلامی شدن هندسه عمومی جامعه دانسته است (1380/9/12). در حقیقت با تدوین قانون اساسی انقلاب اسلامی که منشور اصلی و محوری جمهوری اسلامی است، ارکان جامعه اسلامی مهندسی شد، این قانون که تبلور ارزشهای اسلامی است و منطبق با احکام اسلامی تدوین شده، به مثابه ستون فقرات نظام اسلامی است و مرکز اصلی سلسله اعصاب نظام اسلامی تلقی می‌شود.

ج) ایجاد دولت اسلامی

اما مرحله سوم که مرحله‌ای حساس به شمار می‌رود و از دو قدم پیشین دشوارتر است، «ایجاد دولت اسلامی» است. «تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی، تشکیل منش و روش دولتمردان به گونه اسلامی است» (1379/9/21). البته منظور از دولت در اینجا تنها به معنای هیئت دولت و وزیران نیست، بلکه مجموعه کارگزاران حکومت را دربر می‌گیرد.

د) ایجاد کشور اسلامی

پس از شکل‌گیری دولت اسلامی، ثمره این دولت، تالؤ نظام اسلامی خواهد بود. بدین معنا که کارویژه اصلی دولت اسلامی، «ایجاد کشور اسلامی» می‌باشد که خود مرحله چهارم فرایند





تحقق انقلاب اسلامی به شمار می‌رود: «اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن وقت کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد، عدالت مستقر خواهد شد، تبعیض از بین خواهد رفت، فقر به تدریج ریشه‌کن می‌شود، عزت حقیقی برای آن مردم به وجود می‌آید، جایگاهش در روابط بین‌المللی ارتقا پیدا می‌کند، این می‌شود کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن‌گاه برای مسلمانان عالم، الگو و اسوه می‌شویم» (1379/9/21).

(ه) ایجاد دنیای اسلام (امت اسلامی)

اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم، آن‌گاه مرحله بعدی ایجاد دنیای اسلام است» (1379/9/21). به این ترتیب مرحله نهایی انقلاب و در حقیقت تحقق آرمانی‌ترین شعار انقلاب، «ایجاد دنیای اسلام» و دستیابی به امت اسلامی خواهد بود: «از این مرحله [کشور اسلامی] که عبور کنیم بعدش دنیای اسلام است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلام درست کرد، الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید» (1375/9/19).

2) فرایند چهار مرحله‌ای

در دیدگاهی دیگر، فرایند انقلاب اسلامی، در چهار مرحله پیش‌بینی و طراحی شده است. مراحل و مقاطع این فرایند عبارتند از:

الف) ایجاد انقلاب سیاسی

اولین مرحله در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی و نقطه آغاز آن، انقلاب سیاسی است. اصولاً هر انقلابی در مرحله اول سیاسی است. وقتی در جامعه‌ای انقلاب رخ می‌دهد، ابتدا انقلاب در ارزشها واقع می‌شود و نظام و ساختار سیاسی جامعه پیشین از بین می‌رود و ادبیات جدیدی از ارزشها، اهداف و تمایلات در آن جامعه مطرح می‌شود. این مرحله انقلاب در واقع سیاسی است. در مورد انقلاب اسلامی، می‌توان ادعا کرد که این مرحله به خوبی به انجام رسیده و سپری شده است. انقلاب سیاسی‌ای که امام خمینی (ره) پرچم‌دار آن بوده و ریشه در حرکت و تکامل جامعه شیعه داشت.

انقلاب اسلامی ایران در مرحله اول یعنی انقلاب سیاسی موفق بوده و بر پایه آن نظام شاهنشاهی از بین رفت. به عبارت دیگر نه تنها در سطح ملی، ادبیات و ارزشهای جامعه تغییر پیدا کرد که در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز بعد سیاسی

انقلاب عملکرد خوبی ارائه کرد. در حال حاضر در ادبیات سیاسی جهان تغییرات جدی مشاهده می‌شود، ورود واژگانی مانند اینار و شهادت در مقابل واژگانی مانند استکبار و استضعاف، از ثمرات جهانی بعد سیاسی انقلاب است. جنبشها و حرکت‌های اسلامی و غیر اسلامی در منطقه، الگوبرداری شده از انقلاب سیاسی ایران اسلامی است.

ب) ایجاد انقلاب فرهنگی

اگر انقلابی بعد از انقلاب سیاسی خود، اقدام به انقلاب فرهنگی نکند و یا پس از اقدام، موفق بدان نشود، از آن انقلاب، جز پرچم و سرودش چیزی باقی نمی‌ماند. اگر انقلاب سیاسی توانایی تبدیل به انقلاب فرهنگی را نداشته باشد، ارزشها و اهداف آن انقلاب از بین می‌رود، بنابراین می‌توان گفت گام دوم انقلاب برای وصول به تمدن اسلامی، انقلاب فرهنگی است که به مراتب سخت‌تر از گام اول است. امام (ره) از سال 42 انقلاب را شروع کرد و در سال 57 با تلاش و کوشش خواص و عوام، انقلاب به وقوع پیوست. انقلاب فرهنگی به معنای تولید فکر انقلاب، اندیشه و نرم‌افزاری است که انقلاب بر پایه آن شکل می‌گیرد و این نرم‌افزار مبانی و اهداف انقلاب را در عینیت جامعه جریان می‌بخشد، تحقق انقلاب فرهنگی، انقلاب اقتصادی را در پی خواهد داشت.

انقلاب فرهنگی در ایران بلافاصله پس از پیروزی در انقلاب سیاسی شکل گرفت و همچنان در جریان است. با نگاهی کلان به افت و خیزهای انقلاب فرهنگی، در مجموع اقدامات خوبی صورت پذیرفته و ان‌شاءالله بهتر از این خواهد شد.⁷

ج) ایجاد انقلاب اقتصادی

چنان که گذشت تحقق صحیح انقلاب فرهنگی، انقلاب اقتصادی را در پی خواهد داشت. انقلاب اقتصادی و اکاوی زیرساختها و بنیانها و نظام اقتصادی و هماهنگ‌سازی آن با نظام اقتصادی اسلام، از اولی‌ترین نیازهای اساسی برای رسیدن به تمدن اسلامی است.

اقدامات صورت گرفته در چند سال اخیر در ایران اسلامی، مانند اجرای اصل 144 و هدفمندی یارانهها و اصلاح سودهای بانکی و ... نشان از شروع انقلاب اقتصادی در ایران است. با تعیین شعار سال جهاد اقتصادی، عملاً و علناً کلید انقلاب اقتصادی زده شد. رسیدن به اهداف انقلاب

7. مهندسی تمدن اسلامی و جنبش نرم‌افزاری، ص 5.



اقتصادی، زمینه وصول به تمدن اسلامی را بیش از پیش فراهم خواهد کرد.

د) ایجاد امت و تمدن اسلامی

مرحله نهایی فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، وصول به امت اسلامی و در نتیجه، تمدن اسلامی است که هدف مهم نظام اسلامی نیز به شمار می‌رود.⁸

نظام جمهوری اسلامی که هدف خود را ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی در راستای ایجاد تمدن اسلامی و الهی تعریف کرده است، سه مقطع از مراحل فوق را پشت سر گذارده و هم‌اکنون در حال زمینه‌سازی و انجام مرحله سوم از مراحل پروسه وصول به تمدن اسلامی است.⁹

3) فرایند سه مرحله‌ای

در یک دیدگاه فرایند انقلاب اسلامی در سه مرحله پیش‌بینی شده است. طرف‌داران این طرح معتقدند انقلاب اسلامی جامعه ایران به رهبری امام خمینی (ره) را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد:

الف) ایجاد انقلاب اسلامی

اولین مرحله انقلاب اسلامی، یعنی ایجاد انقلاب اسلامی، گرچه پیشینه‌ای به درازی تاریخ تشیع دارد، اما نمود و ظهور عینی آن از سال 42 شروع و در سال 57 به سرانجام رسید.

ب) استقرار انقلاب اسلامی

مرحله دوم، یعنی استقرار انقلاب اسلامی، بلافاصله پس از پیروزی، آغاز و با تصویب قانون اساسی و تشکیل دولت و نهادهای قانونی حکومتی، شروع شد. اهمیت و ویژگی این مرحله در آن است که انقلاب اسلامی در صورت موفقیت در این مرحله، وارد مرحله توسعه و حرکت از

مراحل انقلاب	فرایند سه مرحله‌ای	فرایند چهار مرحله‌ای	فرایند پنج مرحله‌ای
مراحل ابتدایی	ایجاد انقلاب اسلامی	ایجاد انقلاب سیاسی	ایجاد انقلاب اسلامی
مراحل میانی	استقرار انقلاب اسلامی	ایجاد انقلاب فرهنگی + ایجاد انقلاب اقتصادی	ایجاد نظام اسلامی + ایجاد دولت اسلامی + ایجاد کشور اسلامی
مراحل نهایی	توسعه انقلاب اسلامی (ایجاد امت اسلامی)	ایجاد امت اسلامی و تمدن اسلامی	ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام

8. نهضت تولید علم با نگاهی به دیدگاه‌های فرهنگستان علوم اسلامی، صص 35 و 36.

9. نک: «درآمدی بر فرایند تکاملی انقلاب اسلامی»، ص 6.

10. نک: «فقه حکومتی نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی»، ص 99.



وحدت اسلامی

مقام معظم رهبری وحدت مسلمانان را در دو معنای «اتخاذ مواضع مشترک، همدلی و همکاری فرق اسلامی در مقابله با دشمن» و نیز «نزدیکی فرق اسلامی به همدیگر، ایجاد تفاهم و تبادل آرای مذهبی در راستای دستیابی به امت واحده اسلامی» به کار برده‌اند (1378/7/24). نکته مهم این است که ایشان در بیان انواع وحدت مسلمانان، آن را منحصر در همکاری و اتخاذ مواضع مشترک در میدان سیاست و جهاد و یا نزدیکی فرق اسلامی نمی‌داند، بلکه به وحدتی فراتر از اتحاد در میدان سیاست و جهاد و نیز تقریب در عرصه اندیشه و فکر معتقد است که آن، وحدت در عرصه معنا، یعنی اتحاد دلها و جانها است (1381/10/25).

ضرورت وحدت اسلامی

مقام معظم رهبری در مقاطع مختلفی، وحدت امت اسلامی را نیاز قطعی و ضرورت حیاتی امروز، شرط اساسی نجات مسلمانان از چنگال نظام سلطه و همچنین علاج و داروی اصلی امروزی دنیای اسلام معرفی می‌نماید و آن را مهم‌ترین مسئله، اولین الزام و ضرورت، و اولویت ارجح دنیای اسلام شمرده، به تبیین نقش و جایگاه این امر در ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی پرداخته است. ایشان در تبیین ضرورت وحدت اسلامی می‌گوید: «مسئله وحدت یک مسئله حیاتی است. نه اینکه فقط برای جمهوری اسلامی حیاتی است - که البته در اهمیتش برای جمهوری اسلامی جای شک نیست - اما حقیقتاً برای اسلام و دنیای اسلام حیاتی است» (1368/10/5). در بیانی دیگر با تأکید بر حیاتی بودن مسئله وحدت اسلامی بیان می‌دارد: «امروز اتحاد بین مسلمین برای مسلمین یک ضرورت حیاتی است، شوخی و شعار نیست، جداً باید جوامع اسلامی با یکدیگر اتحاد کلمه پیدا کنند و همسو حرکت نمایند» (1374/5/24).

از نگاه مقام معظم رهبری، اولین شرط برای ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی، رهایی از چنگال نظام سلطه است و این رهایی در گرو ایجاد وحدت و همدلی میان مسلمانان است: «تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی مسلمانان، شرط

اصلی نجات مسلمین از چنگال امپراطوری زر و زور و سلطه جهانی است» (1364/4/7). همچنین داروی اصلی برای وضعیت امروز دنیای اسلام، داروی اتحاد است: «علاج اصلی، داروی اصلی برای امروز دنیای اسلام، داروی اتحاد است؛ باید باهم متحد بشوند» (1368/1/17).

فواید متعددی که بر وحدت اسلامی مترتب می‌شود، در بیانات مختلف مقام معظم رهبری مورد اشاره قرار گرفته است. حرکت به سمت عزت و بیداری مسلمانان (1370/3/15)، ظهور قدرت اسلامی (1385/5/30)، احساس قدرت و عظمت (1380/9/25)، عزیز شدن اسلام (1369/4/16)، بهره‌مندی امت اسلامی از عزت و اقتدار (1377/1/12)، ایجاد حصن حصین در حیم کشورها و ملت‌های اسلامی (1369/7/11)، کاستن ضربه پذیری دنیای اسلام، دچار وحشت شدن دشمنان اسلام (1368/4/12)، عدم جرئت دشمن به تهدید و تشکیل پایگاه در دنیای اسلام (1369/7/11)، قلم بطلان کشیدن بر عقب ماندگی، مشکلات و ذلتهای دنیای اسلام (1385/1/27)، انتفاع نظام اسلامی (1386/4/14)، رسیدن به مقام مطرح شدن ارزشهای اسلامی به صورت ارزشهای قطعی دنیا، جذب دل انسانها و تغییر در زندگی مسلمانان بر مبنای آن (1368/4/4) و مهم‌تر از همه ایجاد یک مجموعه عظیم متحد و تشکیل امت واحده اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین پشتوانه جهان اسلام (1376/6/21) و اعتلای کلمه اسلام (1368/7/5) از جمله فواید مترتب بر وحدت اسلامی می‌باشد.

آنچه تمامی این فواید را به هم پیوند می‌زند و در واقع روح حاکم بر تمامی آنها به شمار می‌رود، این است که تمامی این اهداف و فواید در راستای یک هدف برتر و متعالی‌تر قرار دارد که شاید بتوان آن هدف متعالی را «ایجاد دنیای اسلام و امت واحده اسلامی» دانست که در بستر آن آحاد جامعه انسانی، به همه کمالات فردی و جمعی دست پیدا خواهند نمود (1370/3/26).

نقش وحدت اسلامی در ایجاد امت اسلامی

یکی از پرسش‌های اساسی این است که نقش وحدت مسلمانان در ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی چیست؟ گرچه، با توجه به بداهت و اهمیت موضوع، تصور صحیح



امت اسلامی و تعدد کشورها و دولتها

برخی با القای برداشتهای غلط و ناصواب از معنای تقریب و وحدت، به شبهه افکنی در مسیر وحدت مسلمانان و ایجاد دنیای اسلام پرداخته، لازمه حرکت در این مسیر را حذف دولتها و کشورهای اسلامی و ایجاد حکومت واحد اسلامی می‌دانند. مقام معظم رهبری در پاسخ به این شبهه، ایجاد حکومت واحد اسلامی در عصر غیبت را امری غیر ممکن قلمداد و تنها آرزوی خویش را وحدت آحاد مسلمانان جهان در قالب امت اسلامی و نه نفی کشورها و دولتها عنوان نموده است: «ما آرزو داریم که این یک میلیارد مسلمان، حقیقتاً واحد باشند، نه اینکه دولتها و کشورها وجود نداشته باشند، چنین چیزی به ظاهر تا قبل از ظهور ولی عصر (ارواحنا فداه) نخواهد شد» (1371/6/22).

همچنین ایشان معتقد است: اولاً؛ در عصر غیبت وجود کشورهای متعدد اسلامی امری طبیعی است. ثانیاً؛ راه حاکمیت اسلام در سایر کشورها یکی نیست و متناسب با شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورها، می‌توان الگوهای متفاوتی را براساس مبانی تعریف و به عدد کشورهای اسلامی، تجربه حکومت اسلامی فرض کرد (1370/11/14). همچنین ایشان یکی از فواید مهم ایجاد وحدت اسلامی و در ادامه به وجود آمدن دنیای یکپارچه اسلامی را پشتیبانی از دولتها و حکومت‌های مختلف اسلامی می‌داند (1385/10/25).

بنابراین با توجه به تعریفی که از دنیای اسلام به عنوان «مجموعه‌ای از انسانها که حول محور خدا، قرآن و پیامبر اعظم (ص) گرد آمده‌اند» ارائه شده است، ایجاد دنیای اسلام، منافاتی با وجود دولتها و کشورهای اسلامی ندارد. تنها نکته، اسلامی بودن مدل حکومتها و دولتها در جوامع اسلامی است که می‌توان با الگوگیری از انقلاب اسلامی و شاخصهای حکومت دینی در آن، به عنوان الگوی حکومتی، به افزایش مدل‌های مختلف حکومت دینی در جهت دستیابی به دنیای اسلام و تمدن اسلامی اقدام کرد: «از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلام درست کرد، الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید» (1375/9/19).

مسئله، پاسخ خود را به دنبال دارد، اما برای روشن‌تر شدن زوایای گوناگون مسئله از دیدگاه مقام معظم رهبری، مروری گذرا بر نقش وحدت اسلامی در ایجاد امت اسلامی صورت می‌گیرد.

مقام معظم رهبری با بیانی ساده، بدیهی بودن نقش وحدت در ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام را به تصویر می‌کشد: «شما ملاحظه کنید امروز دنیا به سمت بلوک بندی می‌رود، یعنی هر چند کشور در گوشه‌ای، به ادنی مناسبتی باهم اتحاد و اتفاق پیدا می‌کنند. علت هم این است که در این دنیا می‌فهمند که هر واحدی، به تنهایی قادر به تأمین نیازهای خودش - از جمله نیاز به دفاع از خود - نیست و باید باهم دست به یکی کنند» (1368/10/5).

دیدگاه‌های ایشان درباره نقش وحدت اسلامی را می‌توان در دو حوزه بیان کرد: نقش وحدت اسلامی در حوزه دفاع و مقابله با دشمن بیرونی و نقش وحدت در ایجاد دنیای اسلام و امت واحده اسلامی. در حوزه اول، ایشان وحدت را به عنوان عامل مقابله با تهدیدات دشمنان بیرونی (1375/2/4)، بزرگ‌ترین حربه ملت‌های اسلامی در مقابل نظام سلطه (1375/5/13)، بزرگ‌ترین سد در مقابل دشمن (1384/2/6) و رمز پیروزی امت اسلامی (1382/9/5) می‌داند. در حوزه دوم نیز، از مواردی همچون راه رشد و صلاح مسلمانان (1370/1/17)، راه رسیدن به مقاصد همچون استقلال و سازندگی (1371/2/12)، برافراشته شدن پرچم اسلام (1383/2/18)، پیشرفت در عرصه‌های گوناگون (1382/9/5) و سعادت و سربلندی مسلمانان (1375/5/13) یاد نموده است. همچنین علاوه بر موارد مذکور، بر نقش وحدت اسلامی در ادامه حیات (1383/2/18) و قوام بخشی امت اسلامی (1385/6/4)، پاس دارنده بودن از عزت و شوکت امت اسلامی (1373/12/11)، توانا ساختن امت اسلامی جهت دستیابی به عزت کامل و عمل به احکام الهی و پشتیبانی از دولتهای اسلامی (1385/10/25) و در نهایت سوق دادن جوامع اسلامی به سوی شکل‌گیری دنیای یکپارچه و مقتدر اسلامی و امت واحده اسلامی تأکید می‌نماید که در سایه آن نیل به همه کمالات فردی و جمعی مسلمانان میسر خواهد بود (1370/3/26).



تحلیل جامعه‌شناختی فرایند تکاملی انقلاب اسلامی و جایگاه امت اسلامی در آن

فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، ناظر به حرکتی است که انقلاب اسلامی در دوره‌های یاد شده و نیز دوره‌های پیش رو باید داشته باشد، تا به اهداف و موفقیت‌های مورد نظر خود در هر مرحله از مراحل چندگانه پیش‌گفته، نائل آید. بدیهی است که مرحله نهایی هرکدام از فرایندهای پیش‌گفته، نسبت به مراحل ابتدایی و میانی از اهمیت بیشتری برخوردار است، چه اینکه کارآمدی و کارایی انقلاب اسلامی و حکومت دینی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و شیعی، در این دوره ارزیابی خواهد شد. دیگر اینکه در دوره ابتدایی و میانی، هدف حرکت جامعه، به ویژه براساس هدایتها و رهبری امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، اولاً بسیط، و ثانیاً شفاف و روشن بود. اما در مرحله نهایی این هدف ابعادی چند وجهی می‌یابد و به لحاظ پیچیدگی این ابعاد، از شفافیت و روشنی آن کاسته می‌شود که در نتیجه مسیر حرکت جامعه را با مشکلات اساسی مواجه می‌کند. به بیان روشن‌تر، با توجه به گسترش ابعاد کمی و کیفی انقلاب اسلامی در مرحله نهایی و سرایت آن به خارج از مرزهای جغرافیایی با هدف افزایش الگوی انقلاب اسلامی در منطقه و جهان و ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی در راستای وصول به تمدن الهی، مشکلات متعددی بر سر راه وجود دارد که باید با برنامه‌ریزی دقیق و رصد این مشکلات و نیز پیش‌بینی راههای گذار، به تدبیر آنها پرداخت. بخشی از این مشکلات مربوط به منابع و نرم‌افزارها است که راه‌حل آن در گرو کشف قابلیت‌های جدید در منابع اسلامی است.¹¹

همچنین در این مرحله و در مسیر حرکت رو به جلو انقلاب اسلامی، بر سرعت، گستردگی و نیز چرخش تغییرات افزون می‌شود و همین امر بر حجم مسائل پیش رو می‌افزاید. به لحاظ ساختاری نیز، جامعه اسلامی در مرحله نهایی، از مزیت نظام‌مند شدن فعالیتها برخوردار می‌شود که در عین افزایش میزان بهره‌وریها، منجر به مسائل و آسیب‌هایی نیز خواهد شد. از طرف دیگر دشمنان انقلاب اسلامی به لحاظ شناخت گسترده‌تری که نسبت به انقلاب و جمهوری

11. ر.ک: همان.

اسلامی به دست می‌آورند، فرصت بیشتری برای فعالیت‌های ریشه‌ای‌تر و نیز هماهنگ‌تر علیه انقلاب اسلامی می‌یابند.¹² بخشی دیگر از این مشکلات مربوط به آحاد مسلمانان و نیز دولتهای کشورهای اسلامی است که نیازمند آگاهی بخشی نسبت به اهداف انقلاب اسلامی در جهت ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی می‌باشند. به بیان دیگر، مرحله ابتدایی و میانی انقلاب اسلامی درون مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی و در میان مردمان مؤمن و معتقد به نظام و جمهوری اسلامی به وقوع پیوست، اما مرحله نهایی، پای را از جغرافیای خودی فراتر نهاده و سطح منطقه و بین‌الملل را شامل خواهد شد. بنابراین مسائل و موضوعات جدیدی فرا راه خود خواهد یافت که پیش‌تر به نظیر آن برخورد نکرده است و باید در صدد پاسخگویی و اشباع آنها برآید.¹³ از جمله این مسائل، مسئله تشست و اختلافات ظاهری بین مسلمانان در کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی است که باید برای آن برنامه‌ریزی صحیح و دقیق انجام پذیرد. مهم‌ترین کار در این مرحله، زدودن مسائل اختلاف برانگیز و مهیا نمودن بستر وحدت اسلامی و برادری دینی در جهت وصول به امت اسلامی می‌باشد.

برای تبیین فرایند تکاملی انقلاب اسلامی و نیز جایگاه ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام در آن و تشریح چرایی قرار گرفتن ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام، در مرحله نهایی فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، تحلیل جامعه‌شناختی ذیل می‌تواند راهگشا باشد.

جامعه بشری از حیث ساختار و نوع اداره آن، دوره‌های متعددی را گذرانده و می‌گذراند. اولین مرحله را می‌توان جامعه طبیعی و ابتدایی نامید. البته این عنوان را نباید با معنای منفی آن - که برخی از جامعه‌شناسان به کار برده‌اند - خلط نمود. مقصود از جامعه طبیعی در این تحلیل، دوره‌ای از حیات بشری است که مؤثرترین عامل در حرکت فردی و اجتماعی جامعه، عوامل طبیعی است؛ بنابراین شکل حرکت بشر و نوع زندگی و امرار معاش او نیز در این دوره بیشتر همگام با طبیعت است. حکومتها نیز در این دوره بیش از اینکه وظیفه‌ای در قبال شهروندان داشته باشند، مسئولیت‌هایی

12. گفتارهایی در فقه سیاسی، ص 222.

13. نک: «فقه حکومتی نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی»، ص 99.

منحصر در قبال عوامل بیرونی دارند. در این جامعه افراد در درون حکومت به ویژه در زندگی خصوصی و شخصی که گستره بسیار وسیعی دارد، از وسعت عمل گسترده‌ای برخوردارند و همین امر باعث می‌شود که در جوامع اسلامی، رهبران دینی برای تحقق اهداف دین به مرز ضرورت ایجاد حکومت اسلامی نمی‌رسند و با ایجاد رابطه ویژه با پیروان خود، امکان هدایت و رهبری آنان را حتی بدون ایجاد حکومت بی می‌گیرند. با گذشت زمان و گذر جامعه بشری از جامعه طبیعی به «جامعه مدنی»، حکومت اهمیت مضاعفی می‌یابد. البته مفهوم جامعه مدنی در طول تاریخ، تحولات عمده و معانی مختلفی پیدا کرده است. مقصود از جامعه مدنی در این تحلیل عبارت است از جامعه‌ای که حکومت علاوه بر مسئولیت در قبال عوامل بیرونی، در قبال شهروندان مسئولیت‌های گوناگونی همچون به رسمیت شناختن و حفاظت از حقوق مالکیت فردی، احترام به حوزه حقوق خصوصی، خصوصاً حق شهروندان برای مشارکت در بحث عمومی و زندگی سیاسی را بر عهده دارد.¹⁴

در اینجا، متدینان و متولیان دین، به ضرورت در دست داشتن حکومت و قدرت برای وصول به اهداف خود پی می‌برند و در تکاپوی به دست آوردن حکومت به جنب و جوش درمی‌آیند. به خصوص با گسترده شدن وظایف حکومت در ارتباط با شهروندان، حکومت در دایره وسیع‌تری از موضوعات اعمال حاکمیت می‌کند و همین امر باعث می‌شود در جوامع اسلامی به تدریج دایره تعارض میان اعمال حاکمیت دولت و اعمال حاکمیت دین بیشتر شود. در نتیجه این تعارضات، در ایران اسلامی، مرحله ابتدایی انقلاب، یعنی ایجاد انقلاب به وقوع پیوست. بعد از مرحله ابتدایی و نیز در مرحله میانی، جامعه انقلابی ایران، همچنان در جامعه مدنی به سر می‌برد. تنها تفاوت مرحله میانی با مرحله ابتدایی، مواجهه انقلاب با مسائل فزون‌تر و جدی‌تر نسبت به قبل است. پس از جامعه مدنی، نوبت به جامعه جهانی می‌رسد و در آینده جامعه جهانی، انقلاب اسلامی به مرحله نهایی خود، یعنی ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی و وصول به تمدن اسلامی وارد می‌شود. نهاد و نهان جامعه جهانی با جامعه مدنی متفاوت بوده و به تبع

آن نهاد و نهان مرحله نهایی انقلاب اسلامی با مرحله میانی آن تفاوت خواهد داشت. در این مرحله انقلاب اسلامی با گسترش جغرافیای اهداف خود، با هدف ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی و در نتیجه تمدن اسلامی، پای در مرحله جامعه جهانی نهاده، خود را مهیای تدبیر امور در مقیاس بین‌المللی و جهانی می‌نماید.¹⁵ بدیهی است ورود به جامعه جهانی، قبل از هر چیز نیازمند بستر مناسبی است که انقلاب اسلامی بتواند در آن بستر اهداف خود را پی گیرد. نیز بدیهی است که ایجاد این بستر در گرو همدلی و همسازی کشورهای منطقه، خصوصاً کشورهای اسلامی است و این مهم از طریق گسترش اندیشه وحدت اسلامی و قوت بخشی به جریانهای فکری تقریبی امکان‌پذیر است.

جایگاه وحدت اسلامی در هندسه انقلاب اسلامی (از ایجاد انقلاب اسلامی تا ایجاد امت اسلامی)

وحدت در جوامع اسلامی و میان کشورهای اسلامی، نه تنها امری ممکن و مطلوب است، بلکه به دلیل آثار و فواید آن، ضرورتی انکارناپذیر است. پرسش اساسی در این میانه، این است که رویکرد انقلاب اسلامی و رهبران آن به این مسئله، رویکرد تاکتیکی است یا استراتژیک و راهبردی؟ به نظر می‌رسد رویکرد انقلاب اسلامی و رهبران آن به مقوله وحدت مسلمانان، رویکردی استراتژیک بوده و به آن به مثابه یک راهبرد اصلی در سیاست خارجی و داخلی می‌نگرند. به بیان روشن‌تر، رویکرد انقلاب اسلامی به وحدت اسلامی، صرفاً یک توصیه اجتماعی و نیاز مقطعی و تاکتیک سیاسی و اقدام عملی برای حفظ منافع مادی مشترک نیست، بلکه تلاش برای حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه، واجبی عینی است که ریشه در اعتقاد به وحدانیت خدا دارد. البته این سخن به معنای نفی رویکرد تاکتیکی به مسئله نیست، به این معنا که اگرچه وحدت مسلمانان، از اهداف راهبردی انقلاب اسلامی است که به طور وسیع در دراز مدت قابل دسترسی است، اما امروز با توجه به تهدیدات و چالشهایی که نظام سلطه برای انقلاب اسلامی به وجود آورده است، برای تبدیل آن به فرصت، از اقدامات تاکتیکی و عملی نباید غفلت شود.

15. «فقه حکومتی نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی»، ص 99.

14. جامعه مدنی، آزادی، اقتصاد و سیاست، صص 29 و 30.





در اندیشه مقام معظم رهبری نیز، وحدت به مثابه یک «هدف اعلا» و «اصل اسلامی و انقلابی» است و به کارگیری آن در جهت اعتلای اسلام، قرآن و حاکمیت دین و به عنوان یک مسئله استراتژیک، حقیقی و بنیادین مطرح می‌باشد، نه یک امر مصلحتی و گذرا: «امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اعلا است که اگر وحدت حاصل شد، آن وقت دنیای اسلام حقیقتاً می‌تواند به عزت کامل و علم به احکام اسلامی دست پیدا کند» (1385/10/25).

ایشان همچنین در بیان اهمیت وحدت و اصل بودن آن در اسلام و انقلاب اسلامی می‌گویند: «ما این مسئله وحدت را مورد تأیید و به عنوان یک اصل اسلامی و انقلابی مورد تأکید قرار می‌دهیم» (1368/7/19) و در نفی تاکتیکی بودن شعار وحدت اسلامی اضافه می‌نمایند: «این امر را یک مسئله استراتژیک می‌دانم - یک مسئله تاکتیکی و مصلحتی نیست که حالا بگوییم مصلحت ما ایجاب می‌کند که با مسلمین غیر شیعه ارتباط داشته باشیم - ما این انگیزه صحیح مسئله وحدت مسلمین را در جمهوری اسلامی، یک مسئله اساسی قرار داده‌ایم» (1369/1/26).

پس از تحلیل نسبت انقلاب اسلامی و وحدت اسلامی، به رابطه و نسبتی دوسویه و هم‌افزایانه این دو دست پیدا می‌کنیم؛ بدین معنا که وحدت اسلامی نقش بسزایی در مراحل مختلف فرایند تکاملی انقلاب اسلامی داشته و در طرف مقابل، انقلاب اسلامی نیز عاملی اساسی در جهت تقویت و استمرار وحدت اسلامی بوده است. نقش وحدت اسلامی در انقلاب را در دو سطح ملی و فراملی می‌توان تحلیل نمود. بدین معنا که از مرحله ایجاد انقلاب اسلامی تا مرحله ایجاد کشور اسلامی، نقش وحدت اسلامی، در سطح ملی و سپس در مرحله ایجاد دنیای اسلام و تمدن اسلامی، همانند فراملی و بین‌المللی می‌باشد.

مقام معظم رهبری وحدت اسلامی را یکی از پیامهای عمده انقلاب اسلامی در مراحل مختلف آن قلمداد می‌نماید (1368/7/19).

تأثیر انقلاب اسلامی در بیداری مسلمانان و ایجاد دنیای اسلام

مسئله احیا و تجدید حیات اسلام و بیداری مسلمانان و در

مرحله پیشرفته‌تر آن، تجدید بنا و یا بازسازی امت اسلامی و دنیای اسلام، در قرون اخیر، از طرف رهبران، مصلحان و متفکران دینی جهان اسلام به منظور رفع عقب‌ماندگی و انحطاط داخلی و همچنین در جهت برخورد با سلطه غرب طرح و دنبال گردیده است. انقلاب اسلامی ایران متکامل‌ترین حلقه از سلسله جنبشهای اسلامی در دوران معاصر و نقطه عطفی در حرکات و جنبشهای فکری و فرهنگی به شمار می‌رود که هدف نهایی و آرمانی خود را تجدید بنای امت اسلامی و بازسازی و یا ایجاد دنیای اسلام و در نهایت ایجاد تمدن اسلامی قرار داده است.

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی بر ذهنیتها و موقعیت دینی - سیاسی مسلمانان و مشروعیت دولتهای حاکم، تکان شدیدی وارد کرد و دوباره نقش دین و مذهب را در جامعه و سیاست مطرح ساخت.¹⁶ احیای امت و نیز برادری اسلامی میان مسلمانان جهان، شکستن بت استکبار و طلسم تسخیرناپذیر قدرتهای شرق و غرب و حمایت از حرکتهای آزادی‌بخش جهان و مستضعفان و احیای شعار نابودی اسرائیل و زنده کردن دوباره قدس که تأثیر بسزایی در انتفاضه فلسطین داشته است¹⁷ و در نهایت هویت بخشیدن به جهان اسلام و حرکت در مسیر «ایجاد دنیای اسلام» از جمله موارد مهم آن می‌باشد.

دوباره تأثیر انقلاب اسلامی و هدف رهبران آن در راستای ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام، اسپوزیتو می‌گوید: آیت‌الله خمینی طرف‌دار انقلاب غیر فرقه‌ای یا جهانی اسلام بود. انقلابی که هدفش از بین بردن شکاف شیعه و سنی در اسلام و آزادی مسلمانان شیعه و تمامی مظلومان جهان است. یکی از اهدافی که در قانون اساسی بر آن تصریح شده، تداوم بخشیدن به انقلاب در داخل و خارج است و این هدفی بود که بیش از سایر اهداف انقلابی توجه رسانه‌های غربی را به خود معطوف کرد و در دل‌های غربیان و حکومت‌های کشورهای اسلامی هراس افکند.¹⁸

امروزه مسلمانان جهان ضمن ناامیدی از اندیشه‌های انسان مدارانه و ارزشهای غربی، بار دیگر به ارزشها و احکام الهی

16. جنبشهای اسلامی معاصر، ص 139.

17. پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی، ص 159.

18. انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ص 47.



محورهای پیام اسلام معاصر و فرضیه‌ها و موضوعات آن به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم از سوی همه به کار گرفته می‌شود.²²

با توجه به آنچه گفته شد، تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری مسلمانان و نیز اثر مستقیم آن بر گرایش به اسلام و ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام، به اعتراف دوست و دشمن، غیر قابل انکار می‌باشد.

ظرفیتهای الگویی انقلاب اسلامی برای ایجاد امت اسلامی

مسئله دیگری که نیازمند بحث و بررسی است این است که آیا جمهوری اسلامی ایران ظرفیت لازم برای ایجاد امت اسلامی را دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر انقلاب اسلامی برای ایجاد امت اسلامی نیازمند چه سازوکاری است و آیا این سازوکار را فراهم آورده است و یا ظرفیت فراهم‌آوری آن را دارد یا خیر؟

پاسخ به این پرسش، در گرو مروری دیگر بر فرایند تکاملی انقلاب از دیدگاه مقام معظم رهبری است تا شرط ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی در بیان ایشان روشن‌تر گردد. ایشان در موارد متعددی در این باره بیان داشته است: «اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد، ... از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می‌توان دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید» (1379/9/12).

ایشان همچنین در بیانی دیگر، گسترش و توسعه انقلاب اسلامی را - برخلاف برخی انقلابها که از طریق ایجاد فتنه، لشکرکشی و گسترش تروریسم در این مسیر گام برمی‌دارند - از طریق الگوسازی نظام جمهوری اسلامی برای دیگر کشورها و ملت‌های دنیای اسلام امکان‌پذیر می‌داند (1387/3/14).

چنان که مشهود است، شرط ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی، ایجاد الگو می‌باشد؛ یعنی: «ملت ایران نظام جمهوری اسلامی را به حد و مرتبه‌ای برسانند که وقتی ملت‌های دیگر به این الگو نگاه می‌کنند، شوق پیدا کنند و آن

رو کرده‌اند. بر اثر همین رویکرد مسلمانان به اسلام است که هائینگتون که تا دیروز تصریح می‌کرد: در پایان قرن بیستم قضیه اسلام یکسره خواهد شد و کار این تمدن به پایان خواهد رسید، امروز پس از مشاهدات و ملموسات، اعلام می‌کند که من اشتباه کردم و ادامه می‌دهد: البته پیش از من افراد دارای اشتها به علم و معرفت نیز دچار چنین اشتباهی شده‌اند، من اکنون باور دارم که تمدن اسلامی، تمدن ماندگار و پایا است.¹⁹

رابین رایت، پس از بیان نقش مذهب در عصر حاضر در عرصه سیاسی در کشورهای مختلف و اقبال مردم کشورهای اروپایی، آسیایی و آمریکایی و شبه قاره هند به مذهب می‌نویسد: تلاشهایی که اکنون در جهان اسلام صورت می‌گیرد، نمایانگر نیاز عمیق‌تری نیز هست. نیازی که می‌تواند تأثیر اسلام‌گرایان را گسترده‌تر و پایدارتر سازد؛ زیرا اسلام تنها دین بزرگ و یکتاپرستی است که نه تنها باورهای معنوی، بلکه مجموعه‌ای از قواعد برای حکومت عرضه می‌دارد. اکنون اسلام گذشته از مبارزات برای کسب جایگاهی در نظم جدید جهانی، با تحولاتی بنیادین روبه‌رو است که می‌توان آن را نقطه عطفی در تاریخ دانست.²⁰

هرایر دکم‌جیان می‌نویسد: تجدید حیات اسلام و بازگشت به احکام و ارزشهای اسلامی در سراسر جهان به چشم می‌خورد. جهان تنها پس از ورود ناگهانی انقلاب اسلامی در سال 1979م دارای یک سلسله حوادث تعیین‌کننده گردید و واژه بنیادگرایی اسلامی نیز بخشی از فرهنگ و ادبیات سیاسی، پژوهشی و ژورنالیستی غرب شد.²¹

محمد آرگون نویسنده مشهور عرب پس از بیان این نکته که امروز میلیون‌ها مسلمان در اندونزی، هند، بنگلادش، پاکستان و ترکیه پناهگاه و مرجع خود را در اسلام جستجو می‌کنند، می‌افزاید: بدون تردید پیروزی آیت‌الله خمینی در ایران بود که دین را در عرصه‌های عینی مطرح ساخت و استوار گردانید و جایگزین رویکردهای سکولاریستی در انقلاب عربی و سوسیالیستی ساخت، به گونه‌ای که

19. «تغییر عقیده دادن»، ص 7.

20. «دموکراسی و غرب»، ص 137.

21. پژوهشی نو بیرامون انقلاب اسلامی، ص 223.



را دنبال کنند» (1387/3/14). بدیهی است حرکت ملتها و کشورهای مسلمان در یک راه و در یک مسیر، مقدمه اتحاد دنیای اسلام و ایجاد امت اسلامی است.

بنابراین باید موقعیت فعلی جمهوری اسلامی مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد، تا معلوم گردد هم‌اکنون آن الگو ایجاد شده و انقلاب اسلامی ظرفیت الگو قرار گرفتن برای دیگر جوامع اسلامی را دارد یا خیر؟ به نظر می‌رسد پاسخ این پرسش مثبت است. در ادامه به طور مختصر به چند دلیل در این باره اشاره می‌شود:

1. انقلاب اسلامی از ابتدای پیروزی‌اش تاکنون بر پایه سیاست «نه شرقی - نه غربی» در عرصه جهانی حضور یافته است. تحلیل وضعیت قدرت شرق و غرب (شوروی و آمریکا) به خوبی میزان قدرتی که در برابر آنها قد علم کرده را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، به هر میزان که قدرت آمریکا و شوروی افسانه‌ای تبیین شوند، به همان میزان، قدرت کشوری که در برابر این قدرت افسانه‌ای مقاومت و بدون اتکا به آنها، آرمانها و اهداف خود را محقق کرده، افسانه‌ای خواهد بود. واقعیت این است که بسیاری از کشورهای جهان دوم و سوم و حتی برخی کشورهای جهان اول، تجربه تلاش برای قطع وابستگی به قطبهای قدرت را نداشته‌اند. آنها با تمام وجود سیطره قطبهای قدرت را بر خود و سرنوشت ملتشان حس کرده‌اند و به تجربه وجودی حس می‌کنند که مقاومت در برابر آنها تا چه میزان سخت است. اما آنها در کمال ناباوری مشاهده کرده‌اند که انقلاب اسلامی به‌رغم همه فشارهای وارده از جانب قطبهای قدرت، به طور نسبی توانسته سایه آنها را از ملت خود و سرنوشتشان کنار بزند. به نظر می‌رسد هرچه زمان این مقاومت طولانی‌تر شود، هم‌زمان ایمان این کشورها به قدرت انقلاب اسلامی افزایش و به قدرت ابرقدرتها کاهش می‌یابد.

2. در میان کشورهای جهان، این تنها ایران نیست که با غرب و سیاستهای آن ناسازگار است، بلکه بسیاری از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از استکبار غرب بر خودشان نگران هستند. اما از میان همه این کشورها، این تنها ایران است که نوعی مواجهه حداکثری با غرب پیدا کرده است؛ بدین معنا که ایران، نه تنها با سیاست استعماری

غرب، بلکه با فرهنگ آن، اقتصاد آن، مبانی معرفتی آن و هر چیزی که به نحوی در استحکام آن مؤثر است، ضدیت پیدا کرده است. مواجهه حداکثری با غرب، تجربه زیست‌غیروابسته در جهان پیچیده امروزی را در اختیار ایران قرار داده که هرچند با فشارها، تحریمها و بعضاً هزینه‌های کلان همراه بوده، اما نتایج و دستاوردهای خجسته‌ای را برای آن به ارمغان آورده است.

خودباوری ایرانی باعث شده تا ایران ضمن پاسداری از تراث خود، بتواند نوعی تجدد بومی را برای خود رقم زند. ممکن است در مقایسه برخی وجوه تمدنی، ایران پسانقلابی نسبت به برخی کشورهای اسلامی، عقب‌تر باشد، اما مهم این است که رشد و پیشرفت ایران، نه فقط با عنصر ایرانی، بلکه مهم‌تر از آن با اندیشه اسلامی محقق شده است. این در حالی است که در پیشرفت اغلب کشورهای اسلامی، بیش از آنکه «اندیشه بومی» حضور داشته باشد، «عناصر بومی» حضور دارد. مواجهه حداکثری با غرب باعث شده تا ایران از جوانب مختلف در یک انزوای برنامه‌ریزی شده قرار گیرد. واقعیت این است که تحریم برای کشوری که اراده حرکت کرده، بیش از آنکه نعمت باشد، نعمت است. تجربه کالاهای تحریمی ایران به خوبی گواه است که به شکل ناباورانه‌ای در هر زمینه که ایران بیشتر مورد تحریم قرار گرفته، بیشتر رشد و پیشرفت کرده است. برای مواجهه کشورهای اسلامی با غرب، استفاده از تجربه و الگوی ایران ضروری است.

3. انقلاب اسلامی از بدو ظهورش تاکنون مورد تحریم و فشار بین‌المللی بوده است. با این همه، در بسیاری موارد اختلاف میان آن و ابرقدرتها به دلیل قدرت ویژه‌ای که داشته، توانسته از گزینه خود دفاع نماید. قدرت ابرقدرتها به امکانات اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی و سیاسی آنها می‌باشد، اما قدرت ایران ناشی از باور عمیق به آرمانهایش است. از جمله آخرین موارد اختلاف جدی بین ایران و غرب، مسئله انرژی هسته‌ای ایران بود که به‌رغم همه فشارهای بین‌المللی، ایران به خوبی توانست از آن دفاع نماید و حتی ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، تأثیری در اراده آن نداشت. به عبارت دیگر، ایران از چنان قدرت چانه‌زنی حتی در شورای امنیت برخوردار است که به

راحتی می‌تواند ائتلاف قدرتها را بشکند. بحث حمله به ایران و نیز داستان حمله به سوریه و نمونه‌های متعددی از این دست که به شکست طرف غربی منجر شده، جملگی به دلیل قدرت بالای ایران در چانه‌زنی در دقایق پایانی خود بوده که در اثر آن، اعتبار آمریکا و غرب به شدت در افکار عمومی دنیا زیر سؤال رفته است. اعتبار غرب و آمریکا در این فضا آن‌گاه بیشتر مورد تشکیک و تردید قرار می‌گیرد که هر از چند گاهی مسئولان ایران، تهدیدات آمریکا را در رسانه‌های عمومی به سخره می‌گیرند و از اینکه نمی‌توانند به ایران حمله کنند، تحقیرشان می‌نمایند! در این میان، هیچ‌کدام از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی منطقه این ظرفیت پیش‌گفته را دارا نمی‌باشند، بنابراین بدیهی است در این امر نیز نیازمند الگوبری از ایران هستند.

4. برخی از کشورهای اسلامی ممکن است در برخی از جهات اقتصادی، نظامی، رسانه‌ای و ... دارای قدرت بیشتری نسبت به ایران باشند، اما برای آنکه بدانیم چه قدرتی در عرض و چه قدرتی در طول قدرتهای استکباری ظهور یافته‌اند، بهترین روش این است که بدانیم آیا قدرتهای استعماری از ظهور آن قدرت استقبال کرده، یا به جنگ آن رفته‌اند.

5. ظرفیت علمی انقلاب اسلامی ایران به اندازه‌ای است که به‌رغم همه توجه آگاهانه‌ای که غرب برای سانسور خبری و اعلام نکردن آن دارد، ناگزیر در برابر برخی وجوه آن تسلیم شده است. امروزه ایران در برخی از حوزه‌های علمی، نه فقط در ردیف کشورهای برتر اسلامی، بلکه در رده‌های بالای جهانی قرار دارد. به عنوان مثال ظرفیت علمی ایران در حوزه‌هایی همچون پزشکی، نانو تکنولوژی و ... در مقیاس جهانی و در حوزه‌های نظامی، پتروشیمی، برخی صنایع و ... در مقیاس جهان اسلام، در حد بالایی ثبت شده است. در سالهای اخیر که نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری به وجود آمده، در میان جوانان ایرانی نوعی نشاط علمی با هدف عبور از غرب ایجاد شده است که در آینده نه‌چندان دور، حتماً نتایج مثبتی به بار خواهد آورد. اساساً اینکه جوانان یک ملت اراده کرده‌اند که به جای تقلید از غرب، خودشان تولید کنند، بسیار امیدوار می‌باشد. تقریباً همه حاکمان غیر وابسته دنیا، دغدغه دارند

تا به جوانان کشورشان روحیه خودباوری را تلقین کنند. نباید پنداشت که عمومیت یافتن این روحیه در ایران، تصادفی و کم‌اهمیت است. جوانان و حتی خواص برخی کشورهای اسلامی، افقی که برای جوانان ایرانی نزدیک به چشم می‌آید را، تا حدّ محال دور می‌پندارند! توفیق انقلاب اسلامی در جنبش مذکور می‌تواند ظرفیت الگوبخشی آن را در حوزه علم مضاعف نماید.

6. امروزه بسیاری از برنامه‌ریزها براساس آمیسه‌های سرزمینی صورت می‌گیرد. در آمیسه‌های سرزمینی، تیپولوژی اقوام از زوایای مختلف روحی، جسمی، امکاناتی و ... سنجیده می‌شود. به عنوان مثال، بررسی می‌شود که فلان قوم، از چه ضریب هوشی، ظرفیت، تهدید، امکانات و ... برخوردار است. آمیسه‌های سرزمینی نشانگر رده بالای ایرانیان در این زمینه است که آن را برای الگوبخشی به جهان اسلام مستعد ساخته است. اینکه هانتینگتون در نظریه معروف خود، یعنی «نظریه برخورد تمدنها» - که ناظر به جنگ پایانی تاریخ است - از میان کشورهای اسلامی، ایران را به عنوان نماینده و الگو برای شرکت در نبرد آخرین تاریخ معرفی می‌کند، ناشی از همین ظرفیتها و ویژگیهای خاص ایرانیان است.

7. از زمانی که استعمار کلاسیک قدرت و ثبات یافت و تکنولوژی و صنعت هم مددکار آن شد، بسیاری از استعمارگران دغدغه گسترش مستعمرات خود را تا آنجا پیش بردند که هوس فتح کل جهان را کردند و برای نیل بدین مقصود، تئوریهای تولید کردند. در قرون اخیر حداقل پنج تئوری معروف برای کسب قدرت برتر جهانی ارائه شده است. تسلط بر دریاها، فضا، هلال خصیب (منطقه‌ای هلالی در خاورمیانه)، هفت گردونه آبی مهم دنیا و دارا بودن کمیت بالای انسانی، هسته اصلی هرکدام از این تئوریها را به خود اختصاص داده است. شاید هیچ‌کدام از تئوریهای فوق، مطلق نباشند، اما همه آنها بهره حق و درستی را در اختیار دارند. واقعیت است که در عصر ما، دریا، فضا، تنگه‌های استراتژیک آبی و ... همه و همه مهم هستند. در میان کشورهای اسلامی، ایران از معدود کشورهایی است که تقریباً از همه عوامل قدرت جهانی بهره‌مند است. این در حالی است که غالب کشورهای مسلمان، فاقد کمیت بالای





انسانی، دور از هلال خصیب، فاقد امتیاز کنترل گردنه‌های آبی مهم دنیا و ... می‌باشند. به عبارت دیگر، قدرت نسبی ایران در میان کشورهای اسلامی نیز می‌تواند یکی دیگر از ظرفیتهای الگوبخش آن برای جهان اسلام باشد.

8. همه اقوام درون جهت‌گیری‌هایی حرکت می‌کنند که جهان‌بینیشان به آنها می‌بخشد. به طور کلی، ملت‌های جهان از سه نوع جهان‌بینی کلی برخوردارند: گذشته محور (مانند مکتب کنفوسیوس و سلفی‌های مسلمان و ...)، حال محور (مانند تمدن فعلی غرب) و آینده محور. گروه اخیر به سه دسته تقسیم می‌شوند: فقط آینده نگر؛ آینده نگر و آینده گرا؛ آینده نگر و آینده گرا و آینده پرداز. در میان ملل و نحل موجود در جهان معاصر، ایران آینده محور از نوع سوم (آینده پرداز) است. در حقیقت اگر دیگران نیز مدعی آینده نگری باشند، حرکت آنها «به سوی فردا» می‌باشد، اما آینده نگری ایران از نوع حرکت «برای فردا» است و بین این دو تفاوت زیادی وجود دارد. بی‌شک آینده از آن کشوری است که برای فردا حرکت می‌کند، نه اینکه فقط به سوی فردا حرکت کند. از آنجا که ایران از معدود کشورهایی است که برای فردا حرکت می‌کند، نسبت به دیگر کشورهای اسلامی که عمدتاً به سوی فردا حرکت می‌کنند، از ظرفیت الگوبخشی بالایی برای جهان اسلام برخوردار است.

9. حداقل دو نحوه حضور اسلام در جوامع اسلامی را باید از یکدیگر تفکیک کرد: یکی «اسلام به مثابه تاریخ» و دیگری «اسلام به مثابه فرهنگ». در بسیاری از بررسی‌هایی که تاکنون درباره وضعیت اسلام در جوامع اسلامی شده، به دلیل عدم تفکیک میان این دو مقوله، خلط مبحث‌های زیادی صورت گرفته است. در این خصوص، توجه به نکات ذیل حائز اهمیت است:

الف) هرچند میان تاریخ و فرهنگ ارتباطی وثیق برقرار می‌باشد، با این همه، این گونه نیست که هر تاریخی تبدیل به فرهنگ شود و یا هر فرهنگی از تبار تاریخی روشنی برخوردار باشد. منطقی‌ترین شکل ارتباط تاریخ و فرهنگ، صورتی است که در آن تاریخ تبدیل به فرهنگ شده باشد. تاریخی که فرهنگ شد، همان تاریخ یویا و تاریخ به ثمر نشسته می‌باشد. همچنان که بدترین شکل ارتباط این دو

نیز، صورتی است که در آن، تاریخ و فرهنگ در تضاد با یکدیگر عمل کنند.

ب) در میان جوامع کنونی اسلامی، برخی از جوامع از تبار تاریخی اسلامی برخوردار هستند، بی‌آنکه دارای فرهنگ اسلامی روشنی باشند. مانند برخی از کشورهای اسلامی منطقه که فرهنگ عمومی آنها چندان فرهنگ اسلامی نیست.

ج) در میان جوامع اسلامی، کمتر کشوری وجود دارد که دارای فرهنگ اسلامی باشد، بی‌آنکه از تاریخ اسلامی برخوردار باشد؛ زیرا اساساً فرهنگ، خود مقوله‌ای تاریخی است و نمی‌توان فرض کرد که در جایی فرهنگ بدون حضور تاریخ وجود داشته باشد؛ زیرا فرهنگ مولود تاریخ است. البته فرهنگ می‌تواند بیرون از تاریخ یک قوم و توسط یک بیگانه راهبری شود، همچنان که مصادیق زیادی در جهان اسلام می‌توان یافت که به‌رغم داشتن تاریخ اسلامی، از نداشتن فرهنگ اسلامی در رنج هستند. مثل اسپانیا که به‌رغم داشتن تاریخ اسلامی، اینک دارای فرهنگ ضد اسلامی است. در جهان امروز کمتر کشوری را می‌توان یافت که به‌رغم اینکه دارای تاریخ غیر اسلامی است، به دلیل تأثیرپذیری از تاریخ اسلام در بیرون مرزهای جغرافیایی‌اش، دارای فرهنگ اسلامی باشد.

د) واقعیت این است که کشوری می‌تواند به عنوان الگو به جهان اسلام معرفی گردد که هم دارای تاریخ و هم دارای فرهنگ اسلامی باشد. این در حالی است که اغلب کشورهای اسلامی مدعی ایجاد امت و تمدن اسلامی، به‌رغم داشتن هردو مؤلفه، به دلیل اینکه دیگر شرایط لازم برای الگو واقع شدن را ندارند، دارای ظرفیت لازم برای این مهم نیستند و نمی‌توانند برای این مقصود در نظر گرفته شوند.

ه) در مقابل، ایران اسلامی کشوری است که هم به لحاظ تاریخی از تبار اسلامی قوی و دراز مدت برخوردار است و هم به لحاظ فرهنگی، بهره‌وافر از اسلام دارد. به لحاظ تاریخی ایران کشوری است که در همان قرن اول توسط مسلمانان فتح شده است و پس از آن، ایرانیان چه در حوزه مدیریت سیاسی امپراتوری اسلامی (در قامت وزارت، سلطنت و ...) و چه در حوزه مدیریت

فکری امت اسلامی، نقش بسزایی داشته‌اند. به عنوان مثال تعداد زیادی از بزرگان و فقهای اهل سنت (همچون برخی نویسندگان صحاح سته و ...) و نیز عمده فلاسفه بزرگ اسلامی، جملگی ایرانی هستند. به لحاظ فرهنگی نیز ایران اسلامی چنان تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی بوده که هیچ نویسنده‌ای - اعم از مسلمان و غیر مسلمان - در اصالت و اسلامی بودن فرهنگ ایرانی تردید نکرده است.

(و) به نظر می‌رسد ایران اسلامی، علاوه بر واجد بودن تاریخ و فرهنگ اسلامی، از دیگر شرایط و ظرفیتهای لازم برای الگو واقع شدن برای جهان اسلام نیز برخوردار است، چنان که در بندهای پیشین به برخی از آنها اشاره شد.²³

10. علاوه بر موارد فوق، تجربه‌ها و موفقیت‌های 30 ساله جمهوری اسلامی در اداره قومیت‌های مختلف با مذاهب چندگانه، به روشی نسبتاً عادلانه، ظرفیت دیگری است که کمتر کشور اسلامی از آن برخوردار است. به بیان دیگر، انقلاب اسلامی دارای چنان ظرفیتی است که توانسته در جریان ایجاد انقلاب اسلامی و مراحل پسین آن، بدون هیچ اعمال زوری، تمامی قومیت‌ها با مذاهب مختلف را، درگیر و سهیم در انقلاب نماید و در ادامه نیز در مراکز حساسی همچون خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و ... شریک گرداند.

این افزون بر آن است که منابع دینی و فقهی و نیز جهان‌بینی و معارف شیعی، ظرفیتی غیر قابل انکار برای ایجاد وحدت میان آحاد جهان اسلام دارد. چنان که اولین ندهای وحدت اسلامی و تقریب مذاهب از حنجره پاک ائمه معصوم شیعه (ع) و در ادامه رهبران فقیه شیعی، خصوصاً رهبران انقلاب اسلامی سر داده شده است. همکاری با الازهر توسط آیت‌الله بروجردی، ایجاد مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی توسط مقام معظم رهبری (1369/7/19)، صدور فتاوی عدم ایجاد تفرقه (1386)، دستور پخش اذان به سبک اهل سنت در مراکز سنی نشین (1388)، صدور فتوای حرمت تکفیر پیروان مذاهب اسلامی و توهین به مقدسات یکدیگر (1388/2/22)، توسعه دایره شمول ایمان و عدم جواز غیبت از محدوده شیعه امامی به کلیه

23. «بررسی تطبیقی ظرفیت ایران و مائزی برای الگوی تمدنی جهان اسلام»، ص 254.

مسلمانان (1389)، صدور فتوای حرمت اهانت به نمادهای اهل سنت (1389/7/10) و مواردی از این دست که توسط رهبران انقلاب اسلامی، خصوصاً مقام معظم رهبری انجام پذیرفته، ظرفیتی قابل توجه است که در دیگر کشورهای اسلامی و از طرف بزرگان و رهبران آنها، کمتر شاهد اقداماتی از این دست هستیم.

مجموعه‌ای از عوامل فوق و نظایر آنها، باعث شده است تا ایران و انقلاب اسلامی، برای الگوی بخشی به جهان اسلام نسبت به بسیاری از دیگر کشورهای اسلامی ویژه باشد. البته این به معنای نفی ویژگیهای منحصر به فرد برخی از کشورهای اسلامی نیست. منظور این است که انقلاب اسلامی و ایران با لحاظ مجموعه ویژگیهایی که دارد، برای الگوی بخشی به جهان اسلام نسبت به دیگر کشورها مستعدتر است.

بر این اساس و با توجه به مجموعه موارد فوق و نظایر آن، به راحتی می‌توان از ظرفیت انقلاب اسلامی برای ایجاد امت اسلامی پرده برداشت. به بیان روشن‌تر، پس از آنکه معلوم شد، اثبات توانایی انقلاب اسلامی برای ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام، در گرو اثبات ظرفیت آن برای الگو واقع شدن برای جهان اسلام است، مجموعه عوامل پیش‌گفته و نظایر آنها، ظرفیت الگو واقع شدن انقلاب اسلامی را اثبات می‌نماید. اگر انقلاب اسلامی بتواند الگوی به وجود آمده را به طور صریح و صحیح در اختیار ملت‌های دیگر قرار دهد، آنها با شوق و ذوق به دنبال آن حرکت خواهند نمود و نتیجه حرکت در مسیر واحد، به وجود آمدن «امت واحده اسلامی» خواهد بود.

نتیجه‌گیری

دستیابی به دنیای اسلام و ایجاد امت اسلامی، بی‌هیچ شکی در گرو یکپارچگی و وحدت مسلمانان است. بنابراین برای جمهوری اسلامی ضروری است که به ترویج گفت‌وگو و وحدت اسلامی همت گمارد. نیز دستیابی به دنیای اسلام و امت اسلامی، در گرو ایجاد الگوی صحیح کشور اسلامی و ارائه آن به ملت‌ها و حکومت‌های مسلمان است تا با پیروی از آن و حرکت در مسیر واحد، گام در مرحله ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی بگذاریم. انقلاب





اسلامی و کشور ایران، به دلایل متعددی ظرفیت لازم برای الگو واقع شدن را دارا است. بر این اساس در این مسیر باید ظرفیتهای جهان اسلام را شناسایی نموده و از آنها به نحو احسن استفاده نماید. نیز باید آسیبها و تهدیدات این جامعه عظیم را رصد نموده، در صدد حل و رفع آنها برآید. دست‌اندرکاران و مسئولان رده‌های مختلف مرتبط

با این موضوع باید توجه داشته باشند که هدف قرار دادن دیدگاهها و بیانات مقام معظم رهبری و نیز امام خمینی (ره)، اولین راهبرد آنها می‌باشد. بنابراین باید در مسیر تحلیل و تبیین اندیشه‌های این بزرگواران، برای دستیابی به اهداف والای انقلاب اسلامی، تلاشی مضاعف نمایند.

کتابنامه

1. اسپوزیتو، جان‌ال، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، 1384 ش.
 2. پاشایی، محمد، *علل پیشرفت و انحطاط جامعه در کلام امام علی (ع)*، قم، مشهور، 1386 ش.
 3. جعفرزاده، محمدحسن، *نهضت تولید علم با نگاهی به دیدگاههای فرهنگستان علوم اسلامی*، قم، فجر ولایت، 1385 ش.
 4. جمالی، مصطفی، *مهندسی تمدن اسلامی و جنبش نرم‌افزاری*، [جزوه] قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1386 ش.
 5. خامنه‌ای، سید علی، *بیانات در مناسبتهای مختلف*، در: www.khamenei.ir
 6. خمینی، روح‌الله، *صحیفه نور*، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1361 ش.
 7. دهقان، حمید، *پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی*، قم، مدین، 1376 ش.
 8. رایت، رایین، «دموکراسی و غرب»، ترجمه علیرضا طیب، *مجله سیاست خارجی*، شماره 1، 1372 ش.
 9. رهدار، احمد، «بررسی تطبیقی ظرفیت ایران و مالزی برای
- الگوی تمدنی جهان اسلام»، *مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره شیخ طوسی*، قم، مرکز ترجمه و نشر المصطفی (ص)، 1391 ش.
10. سعادت، احمد، «راهکارهای گسترش و تعمیق بیداری اسلامی»، *مجموعه مقالات بیداری اسلامی*، قم، مرکز ترجمه و نشر المصطفی (ص)، 1390 ش.
 11. غنی‌نژاد اهری، موسی، *جامعه مدنی، آزادی، اقتصاد و سیاست*، تهران، طرح نو، 1377 ش.
 12. مشکانی سبزواری، عباسعلی، «درآمدی بر فرایند تکاملی انقلاب اسلامی»، *روزنامه کیهان*، 1392/7/7 ش.
 13. همو، «فقه حکومتی نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره 32، 1392 ش.
 14. موقتی، احمد، *جنبشهای اسلامی معاصر*، تهران، سمت، 1378 ش.
 15. مولانا، حمید، *جهان اسلام و چالشهای دنیای معاصر*، تهران، کیهان، 1385 ش.
 16. مهدوی، اصغر آقا؛ و رجحان، سعید، *گفتارهایی در فقه سیاسی*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، 1390 ش.
 17. هاتینگون، «تغییر عقیده دادن»، ترجمه محسن قانع بصیری، *مجله فکر نو*، شماره 1، دی 1377 ش.